

مکاشفه یوحنا رسول

مقدمه

۱ مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا اموری را که می‌باید زود واقع شود، بر غلامان خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا،^۲ که گواهی داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود.^۳ خوشبخت کسی که می‌خواند و آنانی که می‌شنوند کلام این نبوت را، و آنچه در این مکتوب است نگاه می‌دارند، چونکه وقت نزدیک است.

تیمت و ستایش خدا

۴ یوحنا، به هفت کلیسایی که در آسیا هستند.
 ۵ و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست،^۶ و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانایی باد تا ابد الابد. آمین.
 ۷ اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید. بلی!
 ۸ «من هستم الف و یا، اول و آخر،» می‌گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می‌آید، قادر علی الاطلاق.

رویای یوحنا

۹ من یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره‌ای مسمی به پطمس شدم.^{۱۰} و در روز خداوند در روح شدم و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم،^{۱۱} که می‌گفت: «من الف و

یا اول و آخر هستم. آنچه می بینی در کتابی بنویس و آن را به هفت کلیسایی که در آسیا هستند، یعنی به افسس و اسمیرنا و پراگامس و طیاتیرا و ساردس و فیلا دلفیه و لائودکیه بفرست.»

۱۲ پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم می نمود بنگرم؛ و چون رو گردانیدم، هفت چراغدان طلا دیدم، ۱۳ و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان را که ردای بلند در بر داشت و بر سینه وی کمر بندی طلا بسته بود، ۱۴ و سر و موی او سفید چون پشم، مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله آتش، ۱۵ و پایپایش مانند برنج صیقلی که در کوره تابیده شود، و آواز او مثل صدای آبهای بسیار؛ ۱۶ و در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری دودمه تیز بیرون می آمد و چهره اش چون آفتاب بود که در قوتش می تابد.

۱۷ و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایپایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده، گفت: «ترسان مباش! من هستم اول و آخر و زنده؛ ۱۸ و مرده شدم و اینک تا ابد الاباد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است. ۱۹ پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد، ۲۰ سر هفت ستاره ای را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا می باشند.

۲

به کلیسای افسس

۱ «به فرشته کلیسای در افسس بنویس که این را می گوید او که هفت ستاره را بدست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا می خرامد. ۲ می دانم اعمال تو را و مشقت و صبر تو را و اینکه متحمل اشرار نمی توانی شد و آنانی را که خود را رسولان می خوانند و نیستند آزمودی و ایشان را دروغگویافتی؛ ۳ و صبرداری و بخاطر اسم من تحمل کردی و خسته نگشتی.

۴ «لکن بختی بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای. ۵ پس بخاطر آر که از بجافتاده‌ای و توبه کن و اعمال نخست را بعمل آور و بالا بزودی نزد تو می‌آیم و چراغدانان را از مکانش نقل می‌کنم اگر توبه نکنی. ۶ لکن این راداری که اعمال نقولایان را دشمن داری، چنانکه من نیز از آنها نفرت دارم.

۷ «آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیسایاچه می‌گوید: هر که غالب آید، به او این را خواهم بخشید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد.

به کلیسای اسمیرنا

۸ «و به فرشته کلیسای در اسمیرنا بنویس که این را می‌گوید آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت. ۹ اعمال و تنگی و مفلسی تو را می‌دانم، لکن دولتند هستی و کفر آنانی را که خود را یهود می‌گویند و نیستند بلکه از کنیسه شیطانند. ۱۰ از آن زحمانی که خواهی کشید مترس. اینک ابلیس بعضی از شما را در زندان خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز زحمت خواهید کشید. لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم. ۱۱ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیسایاچه می‌گوید: هر که غالب آید از موت ثانی ضرر نخواهد یافت.

به کلیسای پراگامس

۱۲ «و به فرشته کلیسای در پراگامس بنویس این را می‌گوید او که شمشیر دودمه تیز را دارد. ۱۳ اعمال و مسکن تو را می‌دانم که تحت شیطان در آنجاست و اسم مرا محکم داری و ایمان مرا انکار ننودی، نه هم در ایامی که انطیپاس شهید امین من در میان شما در جایی که شیطان ساکن است کشته شد. ۱۴ لکن بحث کمی بر تو دارم که در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام که بالاق را آموخت که در راه بنی اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانی‌های بتها را بخورند و زنا کنند. ۱۵ و همچنین کسانی

را داری که تعلیم نقولویان را پذیرفته‌اند. ۱۶ پس توبه کن والا بزودی نزد تو می‌آیم و به شمشیر زبان خود بایشان جنگ خواهم کرد. ۱۷ آنکه گوش دارد، بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید: و آنکه غالب آید، از من مخفی به وی خواهم داد و سنگی سفید به او خواهم بخشید که بر آن سنگ اسمی جدید مرقوم است که احدی آن را نمی‌داند جز آنکه آن را یافته باشد.

به کلیسای طیاتیرا

۱۸ «و به فرشته کلیسای در طیاتیرا بنویس این را می‌گوید پسر خدا که چشمان او چون شعله آتش و پایهای او چون برنج صیقلی است. ۱۹ اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر تو را می‌دانم و اینکه اعمال آخر تو بیشتر از اول است. ۲۰ لکن بجای بر تو دارم که آن زن ایزابل نامی را راه می‌دهی که خود را نبیه می‌گوید و بندگان مرا تعلیم داده، اغوا می‌کند که مرتکب زنا و خوردن قربانی‌های بتها بشوند. ۲۱ و به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی‌خواهد از زناهای خود توبه کند. ۲۲ اینک او را بر بستری می‌اندازم و آنانی را که با او زنا می‌کنند، به مصیبتی سخت مبتلا می‌گردانم اگر از اعمال خود توبه نکنند، ۲۳ و اولادش را به قتل خواهم رسانید. آنکه همه کلیساها خواهند دانست که من امتحان‌کننده جگرها و قلوب و هریکی از شما را بر حسب اعمالش خواهم داد. ۲۴ لکن باقی ماندگان شما را که در طیاتیرا هستید و این تعلیم را پذیرفته‌اید و عمقهای شیطان را چنانکه می‌گویند نفهمیده‌اید، بار دیگری بر شما می‌گذارم، ۲۵ جز آنکه به آنچه دارید تا هنگام آمدن من تمسک جویند. ۲۶ و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر امت هاقدرت خواهم بخشید ۲۷ تا ایشان را به عصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه‌های کوزه‌گر خرد خواهند شد، چنانکه من نیز

از پدر خود یافته‌ام. ۲۸ و به او ستاره صبح را خواهم بخشید. ۲۹ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

۳

به کلیسای ساردس

۱ «و به فرشته کلیسای در ساردس بنویس این را می‌گوید او که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد. اعمال تو را می‌دانم که نام داری که زنده‌ای ولی مرده هستی. ۲ بیدار شو و مابقی را که نزدیک به فنا است، استوار نما زیرا که هیچ عمل تو را در حضور خدا کامل نیافتم. ۳ پس پیاد آور چگونه یافته‌ای و شنیده‌ای و حفظ کن و توبه نما زیرا هرگاه بیدار نباشی، مانند دزد بر تو خواهم آمد و از ساعت آمدن من بر تو مطلع نخواهی شد. ۴ «لکن در ساردس اسمهای چند داری که لباس خود را نجس نساخته‌اند و در لباس سفید با من خواهند خرامید زیرا که مستحق هستند. ۵ هر که غالب آید به جامه سفید ملبس خواهد شد و اسم او را از دفتر حیات محو نخواهم ساخت بلکه به نام وی در حضور پدرم و فرشتگان او اقرار خواهم نمود. ۶ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

به کلیسای فیلادلفیه

۷ «و به فرشته کلیسای در فیلادلفیه بنویس که این را می‌گوید آن قدوس و حق که کلید داود را دارد که می‌گشاید و هیچ کس نخواهد بست و می‌بندد و هیچ کس نخواهد گشود. ۸ اعمال تو را می‌دانم. اینک دری گشاده پیش روی تو گدازده‌ام که کسی آن را نتواند بست، زیرا اندک قوتی داری و کلام مرا حفظ کرده، اسم مرا انکار نمودی. ۹ اینک می‌دهم آنانی را از کنیسه شیطان که خود را یهود می‌نامند و نیستند بلکه دروغ می‌گویند. اینک ایشان را مجبور خواهم نمود که بیایند و پیش پایهای تو سجده کنند و

بدانند که من تو را محبت نموده‌ام. ۱۰ چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محفوظ خواهم داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمد تا تمامی ساکنان زمین را بیازماید. ۱۱ بزودی می‌آیم، پس آنچه داری حفظ کن مبادا کسی تاج تو را بگیرد. ۱۲ هر که غالب آید، او را در هیکل خدای خود ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز بیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را و نام شهر خدای خود یعنی اورشلیم جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل می‌شود و نام جدید خود را بر وی خواهم نوشت. ۱۳ آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.

به کلیسای لائودکیه

۱۴ «و به فرشته کلیسای در لائودکیه بنویس که این را می‌گوید آمین و شاهد امین و صدیق که ابتدای خلقت خداست. ۱۵ اعمال تو را می‌دانم که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم. ۱۶ لهذا چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خود قی خواهم کرد. ۱۷ زیرا می‌گوئی دولت مند هستم و دولت اندوخته‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی‌دانی که تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان. ۱۸ تو را نصیحت می‌کنم که زر مصفای به آتش را از من بخری تا دولت مند شوی، و رخت سفید را تا پوشانیده شوی و ننگ عریانی تو ظاهر نشود و سرمه را تا به چشمان خود کشیده بینایی یابی. ۱۹ هر که را من دوست می‌دارم، تو بیخ و تادیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما. ۲۰ اینک بر در ایستاده می‌گویم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من. ۲۱ آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من بنشیند، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم. ۲۲ هر که گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید.»

۴

تختی در آسمان

۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کرنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید: «به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.»^۲ فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشینده‌ای.^۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عمیق است و قوس قرچی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد^۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تنها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین.^۵ و از تخت، بر قها و صداها و رعدها بر می‌آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا می‌باشند.^۶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.^۷ و حیوان اول مانند شیر بود؛ و حیوان دوم مانند گوساله؛ و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده.

۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن «قدوس قدوس قدوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.»^۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت نشینی که تا ابد الابد زنده است می‌خوانند،^{۱۰} آنگاه آن بیست و چهار پیر می‌افتند در حضور آن تخت نشین و او را که تا ابد الابد زنده است عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می‌گویند: «ای خداوند، مستحق که جلال و اکرام و قوت رایی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.»

۵

کتاب و بره

۱ و دیدم بردست راست تخت نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر. ۲ و فرشته ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می کند که « کیست مستحق اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟ » ۳ و هیچ کس در آسمان و در زمین و در زیر زمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند. ۴ و من بشدت می گریستم زیرا هیچ کس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. ۵ و یکی از آن پیران به من می گوید: « گریان مباح! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید. » ۶ و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، بره ای چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می شوند. ۷ پس آمد و کتاب را از دست راست تخت نشین گرفته است. ۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور بره افتادند و هر یکی از ایشان بربطی و کاسه های زرین پر از بخور دارند که دعاهای مقدسین است. ۹ و سرودی جدید می سرایند و می گویند: « مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود ازهر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی ۱۰ و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد. »

۱۱ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود؛ ۱۲ که به آواز بلند می گویند: « مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد. »

۱۳ و هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در ریاست و آنچه در آنها می‌باشد، شنیدم که می‌گویند: «تخت‌نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالابد.»^{۱۴} و چهار حیوان گفتند: «آمین!» و آن پیران به روی درافتادند و سجده نمودند.

۶

گشودن شش مهر

۱ و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد می‌گوید: «بیا!»^۲ و دیدم که ناگاه اسبی سفید که سوارش کمانی دارد و تاجی بدو داده شد و بیرون آمد، غلبه کننده و تاغلبه نماید.

۳ و چون مهر دوم را گشود، حیوان دوم را شنیدم که می‌گوید: «بیا!» و بین «!»^۴ و اسبی دیگر، آتشگون بیرون آمد و سوارش را توانایی داده شده بود که سلامتی را از زمین بردارد و تا یکدیگر را بکشند؛ و به وی شمشیری بزرگ داده شد.

۵ و چون مهر سوم را گشود، حیوان سوم را شنیدم که می‌گوید: «بیا!» و بین «!»^۶ و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی بدست خود دارد. و از میان چهار حیوان، آوازی را شنیدم که می‌گوید: «یک هشت یک گندم به یک دینار و سه هشت یک جو به یک دینار و به روغن و شراب ضرر مرسان.»

۷ و چون مهر چهارم را گشود، حیوان چهارم را شنیدم که می‌گوید: «بیا!» و بین «!»^۸ و دیدم که اینک اسبی زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم او موت است و عالم اموات از عقب او می‌آید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا به شمشیر و قحط و موت و با وحوش زمین بکشند.

۹ و چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذبح دیدم نفوس آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند؛^{۱۰} که به آواز بلند صدا کرده، می گفتند: «ای خداوند قدوس و حق، تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کشی؟»^{۱۱} و به هر یکی از ایشان جامه‌ای سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد، تمام شود.

۱۲ و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزله‌ای عظیم واقع شد و آفتاب چون پلاس پشمی سیاه گردید و تمام ماه چون خون گشت؛^{۱۳} و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، مانند درخت انجیری که از باد سخت به حرکت آمده، میوه های نارس خود را می افشاند.^{۱۴} و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده شد و هرکوه و جزیره از مکان خود منتقل گشت.^{۱۵} و پادشاهان زمین و بزرگان و سپه سالاران و دولت‌مندان و جباران و هر غلام و آزاد خود را در مغاره‌ها و صخره های کوهها پنهان کردند.^{۱۶} و به کوهها و صخره‌ها می گویند که «بر ما بیفتید و ما را مخفی سازید از روی آن تخت نشین و از غضب بره؛^{۱۷} زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که می تواند ایستاد؟»

۷

مهر کردن بندگان خدا

۱ و بعد از آن دیدم چهار فرشته، بر چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را بازمی دارند تا باد بر زمین و بر دریا و بر هیچ درخت نوزد.^۲ و فرشته دیگری دیدم که از مطلع آفتاب بالا می آید و مهر خدای زنده را دارد. و به آن چهار فرشته‌ای که بدیشان داده شد که زمین و دریا را ضرر رسانند، به آواز بلند ندا کرده،^۳ می گوید: «هیچ ضرری به زمین و دریا و درختان مرسانید تا بندگان خدای خود را بر پیشانی ایشان مهر زنیم.»

۴ و عدد مهرشدگان را شنیدم که از جمیع اسباط بنی اسرائیل، صد و چهل و چهار هزار مهر شدند.

۵ و از سبط یهودا دوازده هزار مهر شدند؛ و از سبط روبین دوازده هزار؛ و از سبط جاد دوازده هزار؛^۶ و از سبط اشیر دوازده هزار؛ و از سبط نفتالیم دوازده هزار؛ و از سبط منسی دوازده هزار؛^۷ و از سبط شمعون دوازده هزار؛ و از سبط لاوی دوازده هزار؛ و از سبط یساکار دوازده هزار؛^۸ از سبط زیبولون دوازده هزار؛ و از سبط یوسف دوازده هزار؛ و از سبط بنیامین دوازده هزار مهر شدند.

گروهی عظیم با جامه های سفید

۹ و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچ کس ایشان را نتواند شمرد، از هرامت و قبيله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور بره به جامه های سفید آراسته و شاخه های نخل به دست گرفته، ایستاده اند.^{۱۰} و به آواز بلند ندا کرده، می گویند: «نجات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و بره را است.»^{۱۱} و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و چهار حیوان ایستاده بودند. و در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند^{۱۲} و گفتند: «آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالابد. آمین.»

۱۳ و یکی از پیران متوجه شده، به من گفت: «این سفیدپوشان یکاند و از کجا آمده اند؟»^{۱۴} من او را گفتم: «خداوندا تو می دانی!» مرا گفت: «ایشان کسانی می باشند که از عذاب سخت بیرون می آیند و لباس خود را به خون بره شست و شو کرده، سفید نموده اند.^{۱۵} از این جهت پیش روی تخت خدایند و شبانه روز در هیکل او وی را خدمت می کنند و آن تخت نشین، خیمه خود را برایشان برپا خواهد داشت.^{۱۶} و دیگر هرگز گرسنه و تشنه نخواهند شد و آفتاب و هیچ گرما برایشان نخواهد رسید.^{۱۷} زیرا بره ای که در میان تخت است، شبان ایشان خواهد بود و به چشمه های

آب حیات، ایشان را راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد.»

۸

مهر هفتم

۱ و چون مهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت در آسمان واقع شد. ۲ و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده‌اند که به ایشان هفت کرنا داده شد. ۳ و فرشته‌ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مجری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعا‌های جمیع مقدسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد، ۴ و دود بخور، از دست فرشته با دعا‌های مقدسین در حضور خدا بالا رفت. ۵ پس آن فرشته مجررا گرفته، از آتش مذبح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برقها و زلزله حادث گردید.

هفت کرنا

۶ و هفت فرشته‌ای که هفت کرنا را داشتند خود را مستعد نواختن نمودند ۷ و چون اولی بنواخت تگرگ و آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد. ۸ و فرشته دوم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید، ۹ و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید. ۱۰ و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم، چون چراغی افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرها و چشمه‌های آب افتاد. ۱۱ و اسم آن ستاره را افسنتین می‌خوانند؛ و ثلث آنها به افسنتین مبدل گشت و مردمان بسیار از آبهایی که تلخ شده بود مردند.

۱۲ و فرشته چهارم بناوخت و به ثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بی نور شد. ۱۳ و عقابی را دیدم و شنیدم که در وسط آسمان می‌پرد و به آواز بلند می‌گوید: «وای وای بر ساکنان زمین، بسبب صداهای دیگرگرنای آن سه فرشته‌ای که می‌باید بنوازند.»

۹

۱ و چون فرشته پنجم نواخت، ستاره‌ای را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه بدو داده شد. ۲ و چاه هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت. ۳ و از میان دود، ملخها به زمین برآمدند و به آنها قوتی چون قوت عقربهای زمین داده شد. ۴ و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند نه به گياه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. ۵ و به آنها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا مدت پنج ماه معذب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود، وقتی که کسی را نیش زند. ۶ و در آن ایام، مردم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمنای موت خواهند داشت، اما موت از ایشان خواهدگریخت.

۷ و صورت ملخها چون اسبهای آراسته شده برای جنگ بود و بر سر ایشان مثل تاجهای شبیه طلا، و چهره‌های ایشان شبیه صورت انسان بود. ۸ و موئی داشتند چون موی زنان، و دندانهایشان مانند دندانهای شیران بود. ۹ و جوشنها داشتند، چون جوشنهای آهنین و صدای بالهای ایشان، مثل صدای ارابه‌های اسبهای بسیار که به جنگ همی تازند. ۱۰ و دمها چون عقربها با نیشها داشتند؛ و در دم آنها قدرت بود که تا مدت پنج ماه مردم را اذیت نمایند. ۱۱ و بر خود، پادشاهی داشتند که ملک الهاویه است که در عبرانی به ابدون مسمی است و در یونانی او را اپلیون خوانند. ۱۲ یک وای گذشته است. اینک دو وای دیگر بعد از این می‌آید.

۱۳ و فرشته ششم بنواخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ منبج طلایی که در حضور خداست شنیدم ۱۴ که به آن فرشته ششم که صاحب کرنا بود می‌گوید: «آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند، خلاص کن.» ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند. ۱۶ و عدد جنود سواران، دوست هزار هزار بود که عدد ایشان را شنیدم.

۱۷ و به اینطور اسبان و سواران ایشان را در رویا دیدم که جوشنهای آتشین و آسمانجونی و کبریتی دارند و سرهای اسبان چون سر شیران است و از دهانشان آتش و دود و کبریت بیرون می‌آید. ۱۸ از این سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمی‌آید، ثلث مردم هلاک شدند. ۱۹ زیرا که قدرت اسبان در دهان و دم ایشان است، زیرا که دمای آنها چون مارهاست که سرها دارد و به آنها اذیت می‌کنند. ۲۰ و سایر مردم که به این بلا یا کشته نگشتند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و تهای طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب را که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند، ترک کنند؛ ۲۱ و از قتل‌ها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند.

۱۰

فرشته زورآور و کتابچه

۱ و دیدم فرشته زورآور دیگری را که از آسمان نازل می‌شود که ابری دربر دارد، و قوس قزحی بر سرش و چهره‌اش مثل آفتاب و پایهایش مثل ستونهای آتش. ۲ و در دست خود کتابچه‌ای گشوده دارد و پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین نهاد؛ ۳ و به آواز بلند، چون غرش شیر صدا کرد؛ و چون صدا کرد، هفت رعد به صداهای خود سخن گفتند. ۴ و

چون هفت رعد سخن گفتند، حاضر شدم که بنویسم. آنگاه آوازی از آسمان شنیدم که می‌گوید: «آنچه هفت رعد گفتند مهر کن و آنها را ننویس.»

^۵ و آن فرشته‌ای را که بر دریا و زمین ایستاده دیدم، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرده، ^۶ قسم خورد به او که تا ابدالابد زنده است که آسمان و آنچه را که در آن است و زمین و آنچه را که در آن است و دریا و آنچه را که در آن است آفرید که «بعد از این زمانی نخواهد بود، بلکه در ایام صدای فرشته هفتم، چون کرنا را می‌باید بنوازد، سر خدا به اتمام خواهد رسید، چنانکه بندگان خود انبیا را بشارت داد.»

^۸ و آن آوازی که از آسمان شنیده بودم، بار دیگر شنیدم که مرا خطاب کرده، می‌گوید: «برو و گلابچه گشاده را از دست فرشته‌ای که بر دریا و زمین ایستاده است بگیر.»

^۹ پس به نزد فرشته رفته، به وی گفتم که گلابچه را به من بدهد. او مرا گفت: «بگیر و بخور که اندرون تو را تلخ خواهد نمود، لکن در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.» ^{۱۰} پس گلابچه را از دست فرشته گرفته، خوردم که در دهانم مثل عسل شیرین بود، ولی چون خورده بودم، درونم تلخ گردید. ^{۱۱} و مرا گفت که «می‌باید تو اقوام و امت‌ها و زبانها و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.»

۱۱

دو شاهد خدا

^۱ و نی‌ای مثل عصا به من داده شد و مرا گفت: «برخیز و قدس خدا و مذبح و آتانی را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما. ^۲ و صحن خارج قدس را بیرون انداز و آن را میممازیرا که به امت‌ها داده شده است و شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند نمود. ^۳ و به دو شاهد خود

خواهم داد که پلاس در بر کرده، مدت هزار و دوست و شصت روز نبوت نمایند.»

۴ اینانند دو درخت زیتون و دو چراغدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند. ۵ و اگر کسی بخواهد بدیشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می‌گیرد؛ و هر که قصد اذیت ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود. ۶ اینها قدرت به بستن آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد و قدرت بر آنها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به انواع بلایا مبتلا سازند.

۷ و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشت ۸ و بدنهای ایشان در شارع عام شهر عظیم که به معنی روحانی، به سدوم و مصر مسمی است، جایی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت، خواهد ماند. ۹ و گروهی از اقوام و قبایل و زبانها و امت‌ها، بدنهای ایشان را سه روز و نیم نظاره می‌کنند و اجازت نمی‌دهند که بدنهای ایشان را به قبر سپارند. ۱۰ و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادی می‌کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، از آنرو که این دو نبی ساکنان زمین را معذب ساختند.

۱۱ و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از خدا بدیشان درآمد که بر پایهای خود ایستادند و بینندگان ایشان را خوفی عظیم فرو گرفت. ۱۲ و آوازی بلند از آسمان شنیدند که بدیشان می‌گوید: «به اینجا صعود نمایند.» پس در ابر، به آسمان بالا شدند و دشمنانشان ایشان را دیدند. ۱۳ و در همان ساعت، زلزله‌ای عظیم حادث گشت که دهیک از شهر منهدم گردید و هفت هزار نفر از زلزله هلاک شدند و باقی ماندگان ترسان گشته، خدای آسمان را تعجید کردند. ۱۴ وای دوم درگذشته است. اینک وای سوم بزودی می‌آید.

کرنای هفتم

۱۵ و فرشته‌ای بناخت که ناگاه صداهای بلند در آسمان واقع شد که می‌گفتند: «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالابد حکمرانی خواهد کرد.» ۱۶ و آن بیست و چهارپیر که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته‌اند، به روی درافتاده، خدا را سجده کردند ۱۷ و گفتند: «تو را شکر می‌کنیم ای خداوند، خدای قادر مطلق که هستی و بودی، زیرا که قوت عظیم خود را بدست گرفته، به سلطنت پرداختی. ۱۸ و امت‌ها خشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود یعنی انبیا و مقدسان و ترسندگان نام خود را چه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و مفسدان زمین را فاسد گردانی.»

۱۹ و قدس خدا در آسمان مفتوح گشت و تابوت عهدنامه او در قدس او ظاهر شد و برقها و صداها و رعدها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد.

۱۲

زن و ارژدها

۱ و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آفتاب را دربر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است، ۲ و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی‌آورد. ۳ و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک ارژدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سروده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛ ۴ و دمیش ثلث ستارگان آسمان را کشیده، آنها را بر زمین ریخت. و ارژدها پیش آن زن که می‌زاید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. ۵ پس پسر نرینه‌ای را زایید که همه امت‌های زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد؛ و فرزندش به نزد خدا و تخت او روده شد. ۶ و زن به بیابان فرار کرد که در آنجا مکانی برای وی از خدا مهیا شده است تا او را مدت هزار و دو بیست و شصت روز پیروند.

۷ و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند،^۸ ولی غلبه نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد. ۹ واژدهای بزرگ انداخته شد، یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است که تمام ربع مسکون را می فریبد. او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند.

۱۰ و آوازی بلند در آسمان شنیدم که می گوید: «اکنون نجات و قوت و سلطنت خدای ما و قدرت مسیح او ظاهر شد زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه روز در حضور خدای ما برایشان دعوی می کند، به زیر افکنده شد. ۱۱ و ایشان بوساطت خون بره و کلام شهادت خود بر او غالب آمدند و جان خود را دوست نداشتند. ۱۲ از این جهت ای آسمانها و ساکنان آنها شادباشید؛ وای بر زمین و دریا زیرا که ابلیس به نزد شما فرود شده است با خشم عظیم، چون می داند که زمانی قلیل دارد.»

۱۳ و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شد، بر آن زن که فرزند زریه را زاییده بود، جفا کرد. ۱۴ و دو بال عقاب بزرگ به زن داده شد تا به بیابان به مکان خود پرواز کند، جایی که او را از نظر آن مار، زمانی و دو زمان و نصف زمان پرورش می کنند. ۱۵ و مار از دهان خود در عقب زن، آبی چون رودی ریخت تا سیل او را فروگیرد. ۱۶ و زمین زن را حمایت کرد و زمین دهان خود را گشاده، آن رود را که اژدها از دهان خود ریخت فرو برد. ۱۷ و اژدها بر زن غضب نموده، رفت تا باباقی ماندگان ذریت او که احکام خدا را حفظ می کنند و شهادت عیسی را نگاه می دارند، جنگ کند.

۱۳

وحشی از دریا

۱ و او بر ریگ دریا ایستاده بود.

۲ و آن وحش را که دیدم، مانند پلنگ بود و پایپایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان شیر. و اژدها قوت خویش و تحت خود و قوت عظیمی

به وی داد. ۳ و یکی از سرهایش را دیدم که تا به موت کشته شد و از آن زخم مهلک شفا یافت و تمامی جهان در پی این وحش در حیرت افتادند. ۴ و آن اژدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که «کیست مثل وحش و کیست که با وی می‌تواند جنگ کند؟»

۵ و به وی دهانی داده شد که به کبر و کفر تکلم می‌کند؛ و قدرتی به او عطا شد که مدت چهل و دو ماه عمل کند. ۶ پس دهان خود را به کفرهای بر خدا گشود تا بر اسم او و خیمه او و سکنه آسمان کفر گوید. ۷ و به وی داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر ایشان غلبه یابد؛ و تسلط بر هر قبیله و قوم و زبان و امت، بدو عطا شد. ۸ و جمیع ساکنان جهان، جز آنانی که نامهای ایشان در دفتر حیات بره‌ای که از بنای عالم ذبح شده بود مکتوب است، او را خواهند پرستید. ۹ اگر کسی گوش دارد بشنود. ۱۰ اگر کسی اسیر نماید به اسیری رود، و اگر کسی به شمشیر قتل کند، می‌باید او به شمشیر کشته گردد. در اینجا صبر و ایمان مقدسین.

وحشی دیگر از زمین

۱۱ و دیدم وحش دیگری را که از زمین بالامی آید و دو شاخ مثل شاخهای بره داشت و مانند اژدها تکلم می‌نمود؛ ۱۲ و با تمام قدرت وحش نخست، در حضور وی عمل می‌کند و زمین و سکنه آن را بر این وامی دارد که وحش نخست را که از زخم مهلک شفا یافت، پرستند. ۱۳ و معجزات عظیمه بعمل می‌آورد تا آتش را نیز از آسمان در حضور مردم به زمین فرود آورد. ۱۴ و ساکنان زمین را گمراه می‌کند، به آن معجزاتی که به وی داده شد که آنها را در حضور وحش بنماید. و به ساکنان زمین می‌گوید که صورتی را از آن وحش که بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود، بسازند. ۱۵ و به وی داده شد که آن صورت وحش را روح بخشد تا که صورت

وحش سخن گوید و چنان کند که هر که صورت وحش را پرستش نکند، کشته گردد. ۱۶ و همه را از کبیرو صغیر و دولتمند و فقیر و غلام و آزاد بر این وامی دارد که بر دست راست یا بر پیشانی خود نشانی گذارند. ۱۷ و اینکه هیچ کس خرید و فروش نتواند کرد، جز کسی که نشان یعنی اسم یا عدد اسم وحش را داشته باشد. ۱۸ در اینجا حکمت است. پس هر که فهم دارد، عدد وحش را بشمارد، زیرا که عدد انسان است و عددش ششصد و شصت و شش است.

۱۴

بره بر کوه صهیون

۱ و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم می‌دارند. ۲ و آوازی از آسمان شنیدم، مثل آواز آبهای بسیار و مانند آواز رعد عظیم، و آن آوازی که شنیدم، مانند آواز بر بنوازان بود که بر بطنهای خود را بنوازند. ۳ و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران، سرودی جدید می‌سرایند و هیچ کس نتوانست آن سرود را بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند. ۴ اینانند آنانی که با زنان آلوده نشدند، زیرا که با کره هستند؛ و آنانند که بره را هر گجا می‌رود متابعت می‌کنند و از میان مردم خریده شده‌اند تا نوبت برای خدا و بره باشند. ۵ و در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بی‌عیب هستند.

سه فرشته

۶ و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هرامت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، ۷ و به آواز بلند می‌گوید: «از خدا بترسید و او را تعجید نمائید، زیرا که زمان داوری اورسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه های آب را آفرید، پرستش کنید.»

۸ و فرشته‌ای دیگر از عقب او آمده، گفت: «منهدم شد بابل عظیم که از خمر غضب زنای خود، جمیع امت‌ها را نوشانید.»

۹ و فرشته سوم از عقب این دو آمده، به آواز بلند می‌گوید: «اگر کسی وحش و صورت او را پرستش کند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود پذیرد،^{۱۰} او نیز از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بیغش آمیخته شده است، خواهد نوشید، و در نزد فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و کبریت، معذب خواهد شد،^{۱۱} و دود عذاب ایشان تا ابد الابد بالا می‌رود. پس آنانی که وحش و صورت او را پرستش می‌کنند و هر که نشان اسم او را پذیرد، شبانه‌روز آرامی ندارند.»^{۱۲} در اینجا صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می‌نمایند.

۱۳ و آوازی را از آسمان شنیدم که می‌گوید: «بنویس که از کنون خوشحالند مردگانی که در خداوند می‌میرند. و روح می‌گوید: «بلی، تا از زحمات خود آرامی یابند و اعمال ایشان از عقب ایشان می‌رسد.»

درو کردن زمین

۱۴ و دیدم که اینک ابری سفید پدید آمد و برابر، کسی مثل پسر انسان نشسته که تاجی از طلا دارد و در دستش داسی تیز است.^{۱۵} و فرشته‌ای دیگر از قدس بیرون آمده، به آواز بلند آن ابرنشین را ندا می‌کند که داس خود را پیش بیاور و درو کن، زیرا هنگام حصاد رسیده و حاصل زمین خشک شده است.^{۱۶} و ابرنشین داس خود را بر زمین آورد و زمین درویده شد.

۱۷ و فرشته‌ای دیگر از قدسی که در آسمان است، بیرون آمد و او نیز داسی تیز داشت.^{۱۸} و فرشته‌ای دیگر که بر آتش مسلط است، از مذبح بیرون شده، به آواز بلند ندا در داده، صاحب داس تیز را گفت: «داس تیز خود را پیش آور و خوشه‌های مو زمین را بچین، زیرا انگورهایش رسیده

است.»^{۱۹} پس آن فرشته داس خود را بر زمین آورد و موهای زمین را چیده، آن را در چرخش عظیم غضب خدا ریخت. ^{۲۰} و چرخش را بیرون شهر به پایفشردند و خون از چرخش تا به دهن اسبان به مسافت هزار و ششصد تیر پرتاب جاری شد.

۱۵

هفت فرشته و هفت بلا

^۱ و علامت دیگر عظیم و عجیبی در آسمان دیدم، یعنی هفت فرشته‌ای که هفت بلایی دارند که آخرین هستند، زیرا که به آنها غضب الهی به انجام رسیده است. ^۲ و دیدم مثال دریایی از شیشه مخلوط به آتش و کسانی را که بر وحش و صورت او و عدد اسم او غلبه می‌یابند، بر دریای شیشه ایستاده و بر بطنهای خدا را بدست گرفته، ^۳ سرود موسی بنده خدا و سرود بره را می‌خوانند و می‌گویند: «عظیم و عجیب است اعمال توای خداوند خدای قادر مطلق! عدل و حق است راههای توای پادشاه امت‌ها. ^۴ کیست که از تو ترسد، خداوند و کیست که نام تو را تجید نماید؟ زیرا که تو تنها قدوس هستی و جمیع امت‌ها آمده، در حضور تو پرستش خواهند کرد، زیرا که احکام تو ظاهر گردیده است.

^۵ و بعد از این دیدم که قدس خیمه شهادت در آسمان گشوده شد، ^۶ و هفت فرشته‌ای که هفت بلا داشتند، گمانی پاک و روشن در بر کرده و کمرایشان به کمر بند زرین بسته، بیرون آمدند. ^۷ و یکی از آن چهار حیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالابد زنده است. ^۸ و قدس از جلال خدا و قوت او پر دود گردید. ^۹ و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچ کس نتوانست به قدس درآید.

۱۶

هفت پیاله غضب خدا

۱ و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته می گوید که «بروید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین بریزید.»

۲ و اولی رفته، پیاله خود را بر زمین ریخت و دمل زشت و بد بر مردمانی که نشان وحش دارند و صورت او را می پرستند، بیرون آمد.

۳ و دومین پیاله خود را به دریا ریخت که آن به خون مثل خون مرده مبدل گشت و هر نفس زنده از چیزهایی که در دریا بود بمرد.

۴ و سومین پیاله خود را در نهرها و چشمه های آب ریخت و خون شد. ۵ و فرشته آنها را شنیدم که می گوید: عادل تو که هستی و بودی ای قدوس، زیرا که چنین حکم کردی، ۶ چونکه خون مقدسین و انبیا را ریختند و بدیشان خون دادی که بنوشند زیرا که مستحقند. ۷ و شنیدم که مذبح می گوید: «ای خداوند، خدای قادر مطلق، داوریهای توحق و عدل است.»

۸ و چهارمین، پیاله خود را بر آفتاب ریخت؛ و به آن داده شد که مردم را به آتش بسوزاند. ۹ و مردم به حرارت شدید سوخته شدند و به اسم آن خدا که بر این بلاها قدرت دارد، کفر گفتند و توبه نکردند تا او را تعجید نمایند.

۱۰ و پنجمین، پیاله خود را بر تخت وحش ریخت و مملکت او تاریک گشت و زبانهای خود را از درد می گزیدند، ۱۱ و به خدای آسمان به سبب دردها و دملهای خود کفر می گفتند و از اعمال خود توبه نکردند.

۱۲ و ششمین، پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می آیند، میا شود. ۱۳ و دیدم که از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب، سه روح خبیث چون وزغها بیرون می آیند. ۱۴ زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می سازند و بر پادشاهان تمام ربع مسکون خروج می کنند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند.

۱۵ «اینک چون دزد می‌آیم! خوشبحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، مبادا عریان راه رود و رسوایی او را ببینند.»
 ۱۶ و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند.

۱۷ و هفتمین، پیاله خود را بر هوا ریخت و آوازی بلند از میان قدس آسمان از تحت بدرآمده، گفت که «تمام شد.»^{۱۸} و برقها و صداها و رعدها حادث گردید و زلزله‌ای عظیم شد آن چنانکه از حین آفرینش انسان بر زمین زلزله‌ای به این شدت و عظمت نشده بود.^{۱۹} و شهر بزرگ به سه قسم منقسم گشت و بلدان امت‌ها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا بیاد آمد تا پیاله نهم غضب آلود خشم خود را بدو دهد.^{۲۰} و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت،^{۲۱} و تگرگ بزرگ که گویا به وزن یک من بود، از آسمان بر مردم بارید و مردم به سبب صدمه تگرگ، خدا را کفر گفتند زیرا که صدمه‌اش بینهایت سخت بود.

۱۷

زن سوار بر وحش

۱ و یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت پیاله را داشتند، آمد و به من خطاب کرده، گفت: «بیا تا قضای آن فاحشه بزرگ را که برآبهای بسیار نشسته است به تونشان دهم،^۲ که پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین، از نهم زنای او مست شدند.»^۳ پس مرا در روح به بیابان برد و زنی را دیدم بر وحش قرمزی سوار شده که از نامهای کفر پر بود و هفت سر و ده شاخ داشت.^۴ و آن زن، به ارغوانی و قرمز ملبس بود و به طلا و جواهر و مروارید مزین و پیاله‌ای زرین به دست خود پر از خبائث و نجاسات زنای خود داشت.^۵ و بر پیشانی‌اش این اسم مرقوم بود: «سرو بابل عظیم و مادر فواحش و خبائث دنیا.»^۶ و آن زن را دیدم، مست از خون مقدسین و از خون شهدای عیسی و از دیدن او بی‌نیهایت تعجب نمودم.^۷ و فرشته

مرا گفت: «چرا متعجب شدی؟ من سر زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد که حامل اوست، به تو بیان می‌نمایم. ^۸ آن وحش که دیدی، بود و نیست و از هاویه خواهد برآمد و به هلاکت خواهد رفت؛ و ساکنان زمین، جز آنانی که نامهای ایشان از بنای عالم در دفتر حیات مرقوم است، در حیرت خواهند افتاد از دیدن آن وحش که بود و نیست و ظاهر خواهد شد.

^۹ «اینجاست ذهنی که حکمت دارد. این هفت سر، هفت کوه می‌باشد که زن بر آنها نشسته است؛ ^{۱۰} و هفت پادشاه هستند که پنج افتاده‌اند و یکی هست و دیگری هنوز نیامده است و چون آید می‌باید اندکی بماند. ^{۱۱} و آن وحش که بود و نیست، هشتمین است و از آن هفت است و به هلاکت می‌رود. ^{۱۲} و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته‌اند بلکه یک ساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می‌یابند. ^{۱۳} اینها یک رای دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می‌دهند. ^{۱۴} ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که اورب الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امینند.»

^{۱۵} و مرا می‌گوید: «آبهایی که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قوما و جماعتها و امتها و زبانها می‌باشد. ^{۱۶} و اما ده شاخ که دیدی و وحش، اینها فاحشه را دشمن خواهند داشت و او را بینوا و عریان خواهند نمود و گوشتش را خواهند خورد و او را به آتش خواهند سوزانید، ^{۱۷} زیرا خدا در دل ایشان نهاده است که اراده او را به جا آرند و یک رای شده، سلطنت خود را به وحش بدهند تا کلام خدا تمام شود. ^{۱۸} و زنی که دیدی، آن شهر عظیم است که بر پادشاهان جهان سلطنت می‌کند.»

۱ بعد از آن دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد. ۲ و به آواز زورآورندا کرده، گفت: «منهدم شد، منهدم شد بابل عظیم! و او مسکن دیوها و ملاذ هر روح خبیث و ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه گردیده است. ۳ زیرا که از نخر غضب آلود زنای او همه امت هانوشیده‌اند و پادشاهان جهان با وی زنا کرده‌اند و تجار جهان از کثرت عیاشی او دولتند گردیده‌اند.»

۴ و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: «ای قوم من از میان او بیرون آید، مبادادر گناهانش شریک شده، از بلاهایش بهره‌مند شوید. ۵ زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است. ۶ بدورد کنید آنچه را که او داده است و بحسب کارهایش دوچندان بدو جزا دهید و در پیاله‌ای که او آمیخته است، او را دوچندان پیامیزید. ۷ به اندازه‌ای که خویشتن را تعجید کرد و عیاشی نمود، به آنقدر عذاب و ماتم بدو دهید، زیرا که در دل خود می‌گوید: به مقام ملکه نشسته‌ام و بیوه نیستم و ماتم هرگز نخواهم دید. ۸ لهذا بلایای او از مرگ و ماتم و فقط در یک روز خواهد آمد و به آتش سوخته خواهد شد، زیرا که زورآور است، خداوند خدایی که بر او داوری می‌کند. ۹ آنگاه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی نمودند، چون دود سوختن او را بینند، گریه و ماتم خواهند کرد، ۱۰ و از خوف عذابش دور ایستاده، خواهند گفت: وای وای، ای شهر عظیم، ای بابل، بلده زورآورزیرا که در یک ساعت عقوبت تو آمد.»

۱۱ «و تجار جهان برای او گریه و ماتم خواهند نمود، زیرا که از این پس بضاعت ایشان را کسی نمی‌خرد. ۱۲ بضاعت طلا و نقره و جواهر و مروارید و گان نازک و ارغوانی و ابریشم و قرمز و عود قناری و هر ظرف عاج و ظروف چوب گرانها و مس و آهن و مرمر، ۱۳ و دارچینی و حماما و خوشبوی‌ها و مر و کندر و شراب و روغن و آرد میده و گندم و رومه‌ها

و گله‌ها و اسبان و ارابه‌ها و اجساد و نفوس مردم. ۱۴ و حاصل شهوت نفس تو از تو گم شد و هر چیز فربه و روشن از تو نابود گردید و دیگر آنها را نخواهی یافت. ۱۵ و تاجران این چیزها که از وی دولت‌مند شده‌اند، از ترس عذابش دور ایستاده، گریان و ماتم‌گان ۱۶ خواهند گفت: وای، وای، ای شهر عظیم که به گگان و ارغوانی و قرمز ملبس می‌بودی و به طلا و جواهر و مروارید مزین، زیرا در یک ساعت اینقدر دولت عظیم خراب شد. ۱۷ و هرناخدا و کل جماعتی که بر کشتیا می‌باشند و ملاحان و هر که شغل دریا می‌کند دور ایستاده، ۱۸ چون دود سوختن آن را دیدند، فریادگان گفتند: کدام شهر است مثل این شهر بزرگ! ۱۹ و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتم‌گان فریاد برآورده، می‌گفتند: «وای، وای بر آن شهر عظیم که از آن هر که در دریا صاحب کشتی بود، از نفایس او دولت‌مند گردید که در یک ساعت ویران گشت.

۲۰ «پس‌ای آسمان و مقدسان و رسولان و انبیاشادی کنید زیرا خدا انتقام شما را از او کشیده است.»

۲۱ و یک فرشته زورآور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ گرفته، به دریا انداخت و گفت: «چنین به یک صدمه، شهر بابل منهدم خواهد گردید و دیگر هرگز یافت نخواهد شد. ۲۲ و صوت بربطزان و مغنیان و نی‌زنان و کرنا نوازان بعد از این در تو شنیده خواهد شد و هیچ صنعتگر از هر صنعتی در تو دیگر پیدا نخواهد شد و باز صدای آسیا در تو شنیده نخواهد گردید، ۲۳ و نور چراغ در تو دیگر نخواهد تابید و آواز عروس و داماد باز در تو شنیده نخواهد گشت زیرا که تجار تو اکابر جهان بودند و از جادوگری تو جمع امت‌ها گمراه شدند. ۲۴ و در آن، خون انبیا و مقدسین و تمام مقتولان روی زمین یافت شد.»

هلویاه

۱ و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند از گروهی کثیر در آسمان که می‌گفتند: «هلویاه! نجات و جلال و اکرام و قوت از آن خدای ما است،^۲ زیرا که احکام او راست و عدل است، چونکه داوری نمود بر فاحشه بزرگ که جهان را به زناى خود فاسد می‌گردانید و انتقام خون بندگان خود را از دست او کشید.»

۳ و بار دیگر گفتند: «هلویاه، و دودش تا ابدالاباد بالا می‌رود!»

۴ و آن بیست و چهار پیر و چهار حیوان به روی درافتاده، خدایی را که بر تخت نشسته است سجده نمودند و گفتند: «آمین، هلویاه!»
 ۵ و آوازی از تخت بیرون آمده، گفت: «حمدنماید خدای ما را ای تمامی بندگان او و ترسندگان او چه کبیر و چه صغیر.»

۶ و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آوازهای فراوان و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: «هلویاه، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است.^۷ شادی و وجد نمایم و او را تجید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و عروس او خود را حاضر ساخته است.^۸ و به او داده شد که به گنان، پاک و روشن خود رایبوشاند، زیرا که آن گنان عدالت‌های مقدسین است.»

۹ و مرا گفت: «بنویس: خوشبحال آنانی که به بزم نکاح بره دعوت شده‌اند.» و نیز مرا گفت که «این است کلام راست خدا.»

۱۰ و نزد پایپایش افتادم تا او را سجده کنم. او به من گفت: «زنهار چنین نکنی زیرا که من با توهم خدمت هستم و با برادرانت که شهادت عیسی را دارند. خدا را سجده کن زیرا که شهادت عیسی روح نبوت است.»

کلمه خدا

۱۱ و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید،^{۱۲} و چشمانش چون شعله آتش

و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی داند. ۱۳ و جامه‌ای خون آلود در بر دارد و نام او را «کلمه خدا» می خوانند. ۱۴ و لشکریایی که در آسمانند، بر اسبهای سفید و به گنجان سفید و پاک ملیس از عقب او می آمدند. ۱۵ و از دهانش شمشیری تیز بیرون می آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت نحر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می افشرد. ۱۶ و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان و رب الارباب.»

۱۷ و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می کنند، ندا کرده، می گوید: «بیایید و بجهد ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. ۱۸ تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر.»

۱۹ و دیدم وحش و پادشاهان زمین و لشکریهای ایشان را که جمع شده بودند تا با اسب سوار و لشکر او جنگ کنند. ۲۰ و وحش گرفتار شد و نبی کاذب با وی که پیش او معجزات ظاهر می کرد تا به آنها آتانی را که نشان وحش را دارند و صورت او را می پرستند، گمراه کند. این هر دو، زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته شدند. ۲۱ و باقیان به شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون می آمد کشته شدند و تمامی مرغان از گوشت ایشان سیر گردیدند.

۲۰

هزار سال

۱ و دیدم فرشته‌ای را که از آسمان نازل می شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است. ۲ و ازدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می باشد، گرفتار کرده، او را تا مدت هزار سال در بند نهاد. ۳ و

او را به هاویه انداخت و در را بر او بسته، مهر کرد تا امت‌ها را دیگر گمراه نکند تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می‌باید اندکی خلاصی یابد.

۴ و تحتها دیدم و بر آنها نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست خود نپذیرفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. ۵ و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید. این است قیامت اول. ۶ خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسلط ندارد بلکه کاهنان خدا و مسیح خواهند بود و هزار سال با اوسلطنت خواهند کرد.

محکومیت شیطان

۷ و چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد یافت^۸ تا بیرون رود و امت‌هایی را که در چهار زاویه جهانند، یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست. ۹ و بر عرصه جهان برآمده، لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. پس آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان را بلعید. ۱۰ و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابد الاباد شبانه‌روز عذاب خواهند کشید.

۱۱ و دیدم تختی بزرگ سفید و کسی را بر آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جایی یافت نشد. ۱۲ و مردگان را خرد و بزرگ دیدم که پیش تخت ایستاده بودند؛ و دخترها را گشودند. پس دقتی دیگر گشوده شد که دخترحیات است و بر مردگان داوری شد، بحسب اعمال ایشان از آنچه در دخترها مکتوب است. ۱۳ و دریا مردگانی

را که در آن بودند باز داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها بودند باز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت. ۱۴ و موت و عالم اموات به دریاچه آتش انداخته شد. این است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش. ۱۵ و هر که در دفتر حیات مکتوب یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده گردید.

۲۱

اورشليم جديد

۱ و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی باشد. ۲ و شهر مقدس اورشليم جديد را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. ۳ و آوازی بلند از آسمان شنیدم که می گفت: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. ۴ و خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.» ۵ و آن تخت نشین گفت: «الحال همه چیز را نومی سازم.» و گفت:

«بنویس، زیرا که این کلام امین و راست است.»

۶ باز مرا گفت: «تمام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد. ۷ و هر که غالب آید، وارث همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود. ۸ لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.»

۹ و یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت: «بیا تا عروس منکوحه بره را به توتشان دهم.»^{۱۰} آنگاه مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می‌شود،^{۱۱} و جلال خدا را دارد و نورش مانند جواهر گرانبها، چون یشم بلورین.^{۱۲} و دیواری بزرگ و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه‌ها دوازده فرشته و اسم‌ها بر ایشان مرقوم است که نامهای دوازده سبط بنی اسرائیل باشد.^{۱۳} از مشرق سه دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه و از مغرب سه دروازه.^{۱۴} و دیوار شهردوازده اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بره است.

۱۵ و آن کس که با من تکلم می‌کرد، فی طلا داشت تا شهر و دروازه هایش و دیوارش را ببیناید.^{۱۶} و شهر مربع است که طول و عرضش مساوی است و شهر را به آن فی پیوده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و عرض و بلندی‌اش برابر است.^{۱۷} و دیوارش را صد و چهل و چهار ذراع پیود، موافق ذراع انسان، یعنی فرشته.^{۱۸} و بنای دیوار آن از یشم بود و شهر از زر خالص چون شیشه مصفی بود.^{۱۹} و بنیاد دیوار شهر به هر نوع جواهر گرانبها مزین بود که بنیاد اول، یشم و دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم، زمرد^{۲۰} و پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق وهفتم، زبرجد و هشتم، زمرد سلقی و نهم، طویاز و دهم، عقیق اخضر و یازدهم، آسمانجونی و دوازدهم، یاقوت بود.^{۲۱} و دوازده دروازه، دوازده مروارید بود، هر دروازه از یک مروارید و شارع عام شهر، از زر خالص چون شیشه شفاف.

۲۲ و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوندخدای قادر مطلق و بره قدس آن است.^{۲۳} و شهر احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا که جلال خدا آن را منور می‌سازد و چراغش بره است.^{۲۴} و امت‌ها

در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان، جلال و اکرام خود را به آن خواهند درآورد. ۲۵ و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب در آنجا نخواهد بود. ۲۶ و جلال و عزت امت‌ها را به آن داخل خواهند ساخت. ۲۷ و چیزی ناپاک یا کسی که مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.

۲۲

نهر آب حیات

۱ و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تحت خدا و بره جاری می‌شود. ۲ و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کتاره نهر، درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود را می‌دهد؛ و برگهای آن درخت برای شفای امت‌های باشد. ۳ و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود و تحت خدا و بره در آن خواهد بود و بندگانش او را عبادت خواهند نمود. ۴ و چهره او را خواهند دید و اسم وی بر پیشانی ایشان خواهد بود. ۵ و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب ندارند، زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنائی می‌بخشد و تا ابدالابد سلطنت خواهند کرد. ۶ و مرا گفت: «این کلام امین و راست است و خداوند خدای ارواح انبیا، فرشته خود را فرستاد تا به بندگان خود آنچه را که زود می‌باید واقع شود، نشان دهد.»

۷ «و اینک به زودی می‌آیم. خوشبحال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد.»

۸ و من، یوحنا، این امور را شنیدم و دیدم و چون شنیدم و دیدم، افتادم تا پیش پایهای آن فرشته‌ای که این امور را به من نشان داد سجده کنم. ۹ و مرا گفت: «زنهار نکنی، زیرا که همخدمت با تو هستم و با انبیا یعنی

برادرانت و باآنانی که کلام این کتاب را نگاه دارند. خدا را سجده کن.»
 ۱۰ و مرا گفت: «کلام نبوت این کتاب را مهر مکن زیرا که وقت نزدیک است. ۱۱ هر که ظالم است، باز ظلم کند و هر که خبیث است، باز خبیث بماند و هر که عادل است، باز عدالت کند و هر که مقدس است، باز مقدس بشود.»

۱۲ «و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کسی را بحسب اعمالش جزا دهم. ۱۳ من الف و یاء و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم ۱۴ خوشبحال آنانی که رختهای خود را می‌شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه‌های شهر درآیند، ۱۵ زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت‌پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و بعمل آورد، بیرون می‌باشند. ۱۶ من عیسی فرشته خود را فرستادم تا شما را در کلیسایاها بدین امور شهادت دهم. من ریشه و نسل داود و ستاره درخشانده صبح هستم.»

۱۷ و روح و عروس می‌گویند: «بیا!» و هر که می‌شنود بگوید: «بیا!» و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی‌قیمت بگیرد. ۱۸ زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلا یای مکتوب در این کتاب را بروی خواهد افزود. ۱۹ و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد.

۲۰ او که بر این امور شاهد است، می‌گوید: «بلی، به زودی می‌آیم!»

آمین. بیا، ای خداوند عیسی!

۲۱ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد. آمین.

XXXV

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f